

عدم توفیق قانون‌گذار و سیاست‌گذار در رسیدن به اهدافی که از اجرای مجازات زندان داشته است، به صورت طبیعی قانون‌گذار و سیاست‌گذار را به این سمت سوق داده که در سیاست‌گذاری در خصوص حبس تجدیدنظر کنند.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: در نگاهی به کلیت قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که اخیراً تصویب شده است، این برداشت به وجود می‌آید که بیشتر هدف کاهش تعداد زندانیان بوده تا کاهش جرم در کشور. نظر شما در این خصوص چیست و آیا این قانون توانسته در زمینه کاهش جرم در کشور تأثیر مثبتی داشته باشد؟

در چند سال اخیر با توجه به مشکلات اقتصادی پیش‌آمده و روند افزایشی جمعیت کیفری زندانیان، در عمل با یک تغییر در سیاست‌گذاری مواجه شده‌ایم. مجلس شورای اسلامی وقتی دید قوه قضائیه توانایی لازم برای کیفرزدایی و جرم‌زدایی از برخی عناوین مجرمانه را ندارد و نمی‌تواند آنان را به سرانجام برساند و به صورت لایحه تقدیم مجلس کند، نمایندگان مجلس در قالب طرح به دنبال پیگیری موضوع برآمدند که حداقل اگر نمی‌توانند به صورت کلان بحث قضازدایی را دنبال کنند، مواردی را که آسیب‌زدایی آن مرتبط‌تر است، اصلاح نمایند. در مجلس دهم شاهد ارائه یک طرح دوفوریتی با عنوان «تقلیل مجازات حبس تعزیری» بودیم.

هدف این طرح دوفوریتی جرم‌زدایی از عناوین مجرمانه نبود، بلکه کاستن از جمعیت کیفری موجود در زندان‌ها بود؛ بنابراین از نظر هدف‌گذاری این طرح بر کم کردن جمعیت کیفری زندان‌ها متمرکز شد. مجلس دهم با توجه به اینکه این فرایند را زمان‌بر و در صلاحیت خود قوه قضائیه می‌دید خودش به موضوع ورود کرد تا حداقل آسیب‌های موجود در زندان‌ها را کاهش دهد؛ بنابراین طبیعی بود که هدف طرح کاستن از جمعیت کیفری باشد. طرح اولیه مجلس واجد اشکالات متعدد و جدی بود و ممکن بود لطماتی به نظام قضایی کشور وارد شود. برای همین قوه قضائیه به موضوع ورود کرد و با اصلاحیه‌هایی که صورت گرفت به ۱۵ ماده تبدیل شد.

این طرح با نقدهای جدی جرم‌شناسان

مواجه بود، زیرا هدف و رسالت خود را بر این گذاشته بود که به هر نحو ممکن جمعیت زندان‌ها را کاهش دهد. از این جهت که ما برای رسیدن به هدفی منطقی و معقول از ابزارهایی استفاده کنیم تا رویکردی افراطی را به وجود بیاورد و قوانین را به سمت بی‌خاصیت بودن سوق دهیم واجد اشکال است و منجر به این می‌شود که جامعه در قبال بزهکاری مورد حمایت جدی قرار نگیرد.

از آنجا که مطابق با اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه باید هم پشتیبان حقوق فردی باشد و هم پشتیبان حقوق جامعه، لازم است ایراداتی را که این قانون در پی دارد از جهت تزلزل در دفاع از حقوق جامعه و حقوق شهروندان به طور جدی در نظر داشته باشیم. از این جهت می‌توانیم این نقد کلی را به این قانون وارد بدانیم که اجرای این قانون در میان مدت و درازمدت ممکن است به جامعه این آسیب را وارد کند و موجب افزایش بزهکاری در برخی از زمینه‌ها شود.

اما سؤال مطرح از این جنبه درست است که اگر بخواهیم به صورت معقول به هدف برسیم لازمه اولیه‌اش این است که سراغ جامعه برویم و به دنبال کاستن از سطح جرائم باشیم و در گام بعدی به سراغ کیفرزدایی برویم.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: به نظر شما کدام گام اصلی بود که قبل از سیاست حبس‌زدایی باید برداشته می‌شد، ولی این اتفاق رخ نداد؟

نکته مهم این است که در کنار تدابیر کمک‌کننده در بحث حبس‌زدایی ما باید به سمت مقوله دیگری برویم و آن مقوله پیشگیری از وقوع جرم است. پیشگیری از وقوع جرم مهم‌ترین گامی است که باید در جهت امنیت کیفری برداریم. اگر ما در زمینه پیشگیری از جرم هرگونه تأخیر و سهل‌انگاری داشته باشیم علی‌القاعده با تبعات ناخوشایندی مواجه خواهیم شد پس گام اول مربوط است به سیاست‌های کلان حاکمیت که باید به صورت کاملاً هماهنگ و منسجم به دنبال اجرایی کردن قانون پیشگیری از وقوع جرم باشند. اگرچه، چند سالی از تصویب قانون پیشگیری از وقوع جرم می‌گذرد، متأسفانه آثار عملی خاصی را مشاهده نکرده‌ایم.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: نهاد نیمه آزادی و نظارت الکترونیکی اختصاص به حبس‌های تعزیری درجه پنج و شش داشت؛ ولی در قانون جدید به درجات دو، سه و چهار نیز توسعه پیدا کرده است مشروط بر اینکه یک چهارم مدت حبس خود را گذرانده باشند؛ آیا این سیاست می‌تواند به دستگاه قضا کمک کند؟ عملکرد دستگاه قضا را درباره نظارت الکترونیکی بر زندانیان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به طور طبیعی وقتی قوانین سایر کشورها را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که قلمرو نظارت الکترونیکی برای اجرای مجازات حبس محدود به مواردی است که اهمیت داشته باشد؛ به همین دلیل باید استفاده از مجازات نظارت الکترونیکی را به دو دلیل کاملاً محتاطانه انجام دهیم و از استفاده بی‌رویه از آن به صورت جدی خودداری کنیم.

یک جهت آن بررسی مواردی است که تا الآن موفق به اجرای آن شده‌ایم؛ یعنی باید نقاط ضعف قوت نظارت الکترونیکی را از بعد از قانون مجازات اسلامی تا الآن بررسی کنیم. قوه قضائیه در تأمین زیرساخت‌های نظارت الکترونیکی موفق عمل نکرده است و همین یکی دو سال پیش بود که آیین‌نامه اجرایی آن را تدوین کرد. عملکرد قوه قضائیه نشان داد که ظرفیت اجرای نظارت الکترونیکی در خصوص همان جرائم محدود را نیز ندارد. طبیعی است که افزایش محدود اجرای مجازات نظارت الکترونیکی به سایر مجازات‌ها نیز در مرحله اجرا ناموفق خواهد بود؛ مگر اینکه قوه قضائیه رویه خود را به طور کلی اصلاح کند. در واقع کارنامه عملی و قابل قبولی از قوه قضائیه در این زمینه شاهد نبوده‌ایم. ارزیابی بنده این است که در رابطه با این موضوع باید کارشناسی بیشتری صورت می‌گرفت.

مشکل اساسی دیگر از لحاظ تئوریک است؛ به صلاح نیست که با جرائم سنگین به صورت سهلگیرانه برخورد کرد و آن‌ها را مشمول نظارت الکترونیکی قرارداد؛

واقعاً تعجب برانگیز است که وقتی با اجرای محدود نظارت الکترونیکی نیز با انواع مشکلات مواجه هستیم، آن را به سایر جرائم توسعه دهیم!

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: در قانون